

## ((حرفه‌ای بنام رباخواری))!

«عبدالله شرخر، بزرگترین رباخوار تهران در نتیجه ضربات چاقوی یکی از صدها نفر بدهکارانش دیشب در بیمارستان درگذشت. عبدالله که به «بانک متحرک»، جنوب شهر معروف بود سیصد ملیون تومان از املاک جنوب شهر را در گرو داشت!

نامبرده طبق اسناد موجود و دفاتر ثبت اسناد بیش از ۶ هزار پرونده و سند رسمی در محضر داشت، وی که سالها قبل فقط صاحب یک دکان عطاری محقر بود اخیراً از راه نزول خواری صاحب چهار هزار دستگاه خازنه در نقاط مختلف تهران شده بود و متجاوز از صد و پنجاه ملیون تومان پول نقد در بانک‌های معروف داشت.   
 این فرد تنها از یک تاجر معروف روزی ۵ هزار تومان سود پول میگرفت ....!»

«اطلاعات و کیهان شماره‌های ۲۵ و ۲۴ مرداد»

سرگذشت رباخوار معروفی که او را در اثر قساوت و سنگدلی‌های مخصوصش «شرخر» مینامیدند! چند روز مرتباً در روزنامه‌های کثیرالانتشار تهران منتشر گردید، زندگی و حرفه این مرد که عاقبت قربانی بیرحمی و قساوت خودش در سود خواری کاملاً تکان دهنده و ناراحت‌کننده بود ولی متأسفانه هیچ تازگی نداشت و هر چند وقت یکبار خبری به مراتب داغتر از خبر «شرخر» و یا اقلاما نند آن در روزنامه‌های کثیرالانتشار تهران به چشم می‌خورد.

با نهایت تأسف در تهران و سایر شهرستانها حرفه‌پلید رباخواری چنان قوت و رواجی به خود گرفته که دهها «شرخر» با کمال آزادی از این راه نا مشروع ثروتهای کلانی بجیب زده‌اند و میزنند و دهها جنایت هم‌بعلت این کار بوقوع پیوسته و می‌پیوندد و بالاخره «هشکگل» رباخواران بیرحم و بی‌انصاف هم‌یکی دیگر از صدها مشکلات اقتصادی و اجتماعی و اخلاقی کشور شده‌است .

بطوریکه مطبوعات نوشته‌اند :

همین چندی قبل مامورین اداره‌داری هنگام بررسی ثروت شخصی متوجه شدند که او **سیصد دستگاه اتومبیل** دارد و پس از آنکه از منشأ این ثروت کلان تحقیق کردند معلوم شد شخص مذکور یکی از رباخواران حرفه‌ای است که از صاحبان اتومبیلها سود پول میگردد و اتومبیلها را به گرو بر میدارد و چون نرخ نزولی او سنگین است پس از مدتی بدهکاران در پرداخت اصل وام و سود آن و می‌مانند و بدین ترتیب اتومبیل به نزول خوار تعلق می‌گیرد ! (۱)

با کمال تأسف بدین ترتیب در این کشور اسلامی رباخواری یکی از راههای متداول و آسان برای تحصیل ثروتهای کلان شده‌است و با اینکه از طریق این حرفه نادرست تاکنون دهها و صدها جنایت بزرگ بوقوع پیوسته هیچگونه ممانعت و جلوگیری هم از آن بعمل نیامده و نمی‌آید !

در این میان مطبوعات کثیرالانتشار کشور هم مستقیم و غیر مستقیم این حرفه را ترویج میکنند آنها که تنها بخاطر سودمادی ، هر روز دنبال سوژه تازه‌ای میگرددند و قتی بحادثه‌ای مانند «شرخر» بر میخورند آنرا با تمام جزئیات و موبومو برای مردم تشریح میکنند بدون اینکه از «حرفه‌شخری» ! کمترین انتقادی بکنند و مطالبی درباره صدها مفاسد اجتماعی و اخلاقی و اقتصادی آن بنویسند جالب توجه این است که یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار تهران برای این که بهر قیمتی شده خوانندگان خود را از زیارت عکس رباخوار معروف تهران هم محروم نگذارد تصویری از حال حیات او را از روی جسد بیجانش نقاشی کرده و زینت بخش صفحات خود نموده بود ! این مدعیان رهبری افکار مردم که حتی در تعیین خطوط صورت «شخرها» این همه دقت میکنند کمتر در باره انتقاد از حرفه «شخری» سخنی بمیان می‌آورند آنها وقتنی تشریح میکنند که شخص نام برده از طریق رباخواری صاحب «۴۰ دستگاه، خانه «یکصد و پنجاه میلیون تومان»

پول نقد در بانکها شده عده‌ای باین حرفه که معجزه آسا تولید ثروت میکند! علاقمند میشوند و در زندگی رباخواری را بر کسبهای پر درد سر و توأم با گرفتاری هر چند هم شرافتمندانه و صحیح باشد ترجیح میدهند چه کاری آسانتر از ربا خواری؟! زحمت کم، در آمد فراوان!

ممکن است رقمیکه روزنامه‌ها درباره ثروت «شرخر» نوشته اند تا حدودی مبالغه باشد و بالاخره این حقیقت را نمیتوان انکار کرد که رباخواری در این کشور بصورت یک خطر جدی درآمده است خطریکه روز بروز توسعه پیدا میکند و کسی بفکر جلوگیری از آن نیست.

جالب توجه اینست که در جهان امروز بجز کشورهای کمونیستی، کشورهای سرمایه داری عموماً سیستم بانکداری خود را بر پایه «ربا» بنیان گذاشته اند در حالیکه ادیان آسمانی عموماً باشندت و صراحت از آن منع کرده اند بنا بر این مسئله «ربا» از جمله مسائلی است که در آن راه ادیان از تمدن امروز جدا میشود و اینگونه مسائل که در آنها ادیان روشی متغایر با تمدن کنونی در پیش گرفته اند درخور تحقیق و دقت فراوان است، باید دید ادیان با توجه بچه فلسفه‌ای «ربا» را تحریم کرده اند و مفاسد اجتماعی و اخلاقی و اقتصادی آن که ادیان مدعی هستند کدامست؟ تجزیه و تحلیل این مسائل کاملاً لازم و در نهایت جالب توجه بوده است؛ آنها دستخوش تحریف گشته اند، آیات مربوط به تحریم و مذمت ربا هم اکنون هم در این کتابها وجود دارد.

در تورات در آیه ۲۵ از باب بیست و دوم «سفر خروج» چنین میخوانیم:

**«اگر نقدی بفقیری از قوم من که همسایه تو باشد قرض دادی مثل رباخوار**

**با او رفتار ممکن و هیچ سود بر او نگذارد»**

در آیه ۳۵ از باب بیست و پنجم «سفر لاویان» میخوانیم:

**«و از برادرت ربا و سود نگیری و از خدای خود بترس تا برادرت با تو زندگی**

**نماید، آنچه خود را به او بر بامده و خوراک خود را با او بسوده ده»**

در انجیل لوقا آیه ۳۴ - ۳۵ از باب ششم میخوانیم:

**«و اگر قرض دهی بآنانیکه امید بازگرفتن از ایشان دارند شمارا چه**

**فضیلت است بلکه دشمنان خود را محبت نمائید و احسان کنید و بدون امید عوض**

**قرض دهید زیرا که اجر شما عظیم خواهد بود»**

رجال و دانشمندان مذهبی یهود و مسیحیت هم درباره حرمت رباخواری تصریحات فراوان

نموده اند «سکوبار» یکی از دانشمندان مذهبی برجسته مسیحیت میگوید: «هر که بگوید

رباخواری گناه نیست او فردی ملحد و خارج از دین مسیح شناخته می‌شود .  
 «یونی» یکی دیگر از دانشمندان مذهبی مسیحیت می‌گوید : «رباخواران شرافت خود را  
 در زندگی دنیوی از دست می‌دهند اینها پس از مرگ حتی شایسته تکفین هم  
 نیستند» .

از این تصریحات علمای مذهبی و آیاتیکه در کتب مذهبی یهود و مسیحیت آمده نظر قاطع  
 این ادیان درباره حرمت «ربا» بخوبی روشن می‌شود و تارویکه زندگی اجتماعی غرب تحت  
 تسلط کلیسا و محافل مذهبی بود رباخواری قانوناً عملی ممنوع و غیر مجاز بشمار می‌آمد ؛ این نظر  
 مذهبی تا قرن شانزدهم میلادی در قوانین مدنی اروپا انعکاس کامل داشت ولی از اوایل قرن  
 شانزدهم که بسیاری از سنن و قوانین متکی به اخلاق و مذهب در غرب در معرض تحول و تغییر واقع  
 شد حرمت ربا هم کم کم مورد اعتراض قرار گرفت ، این اعتراض‌ها تا آنجا پیش رفت که سداخلاق  
 و مذهبی کاملاً شکسته شد و بعضی از زمامداران مانند «لوئی چهاردهم» در سال ۱۶۶۲ آشکارا  
 پولی را با شرط دادن سود فر اوان قرض کرد ، واقعه‌ایکه کاملاً عجیب و غیر منتظره بود این بود که در سال  
 ۱۸۶۰ پاپ «پی نهم» شخصاً یک معامله ربوی انجام داد و اطمه بزرگی بحرمت این قانون  
 مذهبی وارد ساخت . (۱)

عاقبت در سال ۱۷۸۹ پس از انقلاب کبیر فرانسه که مبانی اخلاقی و مذهبی در غرب کاملاً  
 سست شدند نهائی ترین ضربه بقانون حرمت ربا وارد گردید و در فرمانیکه در اکتبر سال ۱۷۸۹  
 صادر شد آزادی «رباخواری» در حدود مقررات قانونی ؛ رسماً اعلام شد ، از آن پس «ربا» وارد  
 نظامهای اقتصادی اروپا گردید و چنانکه قبلاً گفتیم هم اکنون سیستم بانکداری در کشورهای  
 سرمایه‌داری بر اساس ربا بنیانگزاری شده است .

پس از این بررسی کوتاه که درباره حرمت ربا از نظر یهودیت و مسیحیت و تاریخ و رود آن  
 در نظامهای اقتصادی اروپا بعمل آمد نظر اسلام را در این باره بیان میکنیم و فلسفه اجتماعی و  
 اقتصادی و اخلاقی تحریم ربا را مورد تجزیه و تحلیل قرار میدهم . (این بحث را در شماره آینده  
 مطالعه خواهید نمود) ،